

نه از آب درمی آیند نه از گل!

کیوان کاشفی مدیرعامل شرکت چاپ و بسته‌بندی کاشفی برخلاف باور عمومی، سرنوشت واقعی اقتصاد یک مملکت نه در سرای قانون‌گذاری نوشته می‌شود و نه حیات و مماتش وابسته به میزهای خاک‌خورده و راهروهای پرپیچ و خم ادارات دولتی است؛ سرنوشت اقتصاد، کنار یک دستگاه پرس کاری رقم می‌خورد یا در عرشه یک شناور تجاری. رونق و توسعه اقتصاد را بنگاه‌ها رقم می‌زنند نه دولت‌ها. البته بنگاه اقتصادی به معنای اکمل کلمه؛ یعنی آنها که از صفر شروع کرده‌اند؛ آنها که روزی «خرد» نام داشتند و امروز با همه مصائب شرکت داری در ایران به یک بنگاه اقتصادی بدل شده و به بیانی «برند» شده‌اند. اما مسیر تبدیل شرکت‌های کوچک یا خانوادگی به بنگاه‌های اقتصادی بزرگ، در همه جای دنیا دشوار است؛ اما در ایران از دشوار هم دشوارتر!

فهرست کردن مصائب شرکت داری در ایران و چالش‌های مبتلا به فضای کسب و کار مثنوی هفتادمن طلب می‌کند؛ از روزی که فرد به راه اندازی یک کسب و کار می‌اندیشد، چالش‌ها آغاز می‌شود و کسب و کار جدید به مثابه کودکی نوپا، هر چه جلوتر می‌رود، مشکلاتش بیشتر می‌شود. لیک کودک نوپا روزی از آب و گل در می‌آید و برنای بالغی می‌شود، اما قاطبه شرکت‌ها و کسب و کارهای وطنی نه از گل در می‌آیند و نه لذت خشکی را می‌چشند که هر روز برای بقا و زنده ماندن دست و پا می‌زنند تا در غرقابه مشکل، نیست نشوند.

تحریم‌ها روز به روز تشدید می‌شود و عرصه را بر فعالان اقتصادی تنگ می‌کند؛ کرونا نیز سایه سیاه و سنگینش را بر سر کسب و کارها افکنده و رکود عمیق جهانی را به همراه آورده است. اما چالش‌های کسب و کارها در ایران فراتر از تحریم و کروناست. اینکه ریاست محترم جمهور عنوان می‌کنند: «من بلد نیستم کاری به دنیا نداشته باشم و برای حل مشکلات فقط به داخل نگاه کنم؛ اگر اقتصاددانی بلد است که تمام روابط خارجی خراب باشد، اما اقتصاد مملکت هیچ دست نخورد به ما هم بگوید» شاید کمی بی‌انصافی باشد. شرکت‌ها و کسب و کارهای داخلی بعضاً با مشکلات بسیاری دست به گریبان هستند که ارتباط چندانی به تحریم‌ها ندارد. حتی به قول معروف می‌توان تکرار مکرر کرد و گفت: «شرکت‌های ایرانی بیشتر درگیر تحریم‌های داخلی هستند».

اندک مدافه‌ای در گزارش سهولت کسب و کار بانک جهانی در سال ۲۰۱۹ تأکیدی بر این مدعاست که چالش‌های ایرانی بیش از آنکه متأثر از شرایط جهانی باشد، از پیچیدگی و بی‌ثباتی داخلی لطمه می‌بینند. به ادعای گزارش بانک جهانی، ایران در تمامی شاخص‌های سهولت کسب و کار غیر از سهولت پرداخت مالیات، افت مشهود را تجربه کرده است. گزارش بانک جهانی ۱۹۰ کشور را در رتبه‌بندی خود جای داده و وضعیت آنها را بررسی می‌کند. ایران که در سال ۲۰۱۸ در شاخص کلان سهولت کسب و کار در میان ۱۹۰ کشور در رتبه ۱۲۴ قرار داشته در سال ۲۰۱۹ با چهارپله سقوط به رتبه ۱۲۸ تنزل پیدا کرده است. بیشتر شاخص‌های سهولت کسب و کارها در ایران در رتبه‌بندی بانک جهانی تابعی از همین نزول چهارپله‌ای هستند؛ اما یک شاخص به شدت تأمل برانگیز است: شاخص شروع کسب و کار.

بانک جهانی گزارش داده شاخص سهولت شروع کسب و کار در ایران با تنزل ۷۶ پله‌ای به رتبه ۱۷۳ جهان رسیده است. به عبارتی دیگر در شرایط فعلی تنها راه اندازی کسب و کار در ۱۲ کشور دنیا سخت‌تر از ایران است: کنگو، جمهوری آفریقای

مرکزی، لائوس، سورینامی، گینه استوایی، بوسنی، اریتره، چاد، کامبوج، سومالی، هائیتی، ونزوئلا و لیختن اشتاین! حتی در یمن، سوریه و عراق هم راه اندازی یک کسب و کار آسان تر از ایران است!

تردیدی نیست که درک درستی از واقعیت فضای کسب و کار کشور نزد مسوولان عالی اقتصادی وجود ندارد و همین مهم، بسترساز چالش های بنگاه داری و انجام فعالیت اقتصادی در ایران است. بسیار دیده می شود که قانون گذاران و مجریان حوزه اقتصاد چندان تمایلی به دیدن واقعیات ندارند و با اتکا به داده های رویایی، تصمیم گیری می کنند. به عنوان نمونه گاه و بیگاه از مدیران اقتصاد می شنویم که فضای کسب و کار ایران را هم پای ترکیه، مالزی، اندونزی یا حتی امارات متحده عربی قلمداد کرده و در ارائه برنامه ها از الگوی کشورهای یاد شده کمک می گیرند. این در حالی است که فضای کسب و کار کشورهایی چون امارات با رتبه ۲۱ جهانی، مالزی ۲۴، یا حتی ترکیه با رتبه ۶۰ جهان هیچ شباهتی به ایران ندارد.

اما دیگر سنگ بزرگی که پیش پای صاحبان بنگاه های اقتصادی قرار دارد، بی ثباتی قوانین و مقررات است. چالشی بزرگ که قدرت هرگونه تصمیم گیری و برنامه ریزی را از فعالان اقتصادی سلب می کند. گزارش های فصلی پایش محیط کسب و کار، که توسط اتاق ایران تهیه می شود «بی ثباتی سیاست ها، قوانین و مقررات و رویه های اجرایی ناظر به کسب و کار» را بعد از «غیرقابل پیش بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات» نامناسب ترین و آسیب زنده ترین مولفه محیط کسب و کار در ایران می داند. البته این روایت تنها به پارلمان بخش خصوصی محدود نمی شود و دولتمردان نیز به بی ثباتی شدید قوانین کسب و کار اذعان دارند؛ چنان که مرکز ملی مطالعات و پایش و بهبود محیط کسب و کار وزارت اقتصاد صراحتاً می گوید طی یک سال و نیم گذشته بیش از ۴۰۰ بخشنامه تنها برای تجارت فرامرزی در یک سال از سوی چهار دستگاه یعنی بانک مرکزی، وزارت صمت، استاندارد و وزارت بهداشت صادر شده است. برآیند این دو گزاره همسو نشان می دهد شرکت های ایرانی در ناامن ترین فضای کسب و کار ممکن مشغول به فعالیت هستند. بنگاه هایی که همه این بحران ها را مدیریت می کنند و هنوز ایستاده اند، شایسته قدرانی اند که اگر اقتصاد مملکت هنوز درهم نشکسته، مرهون اینهاست؛ اما همین ها هم با چالش جدی دیگری به نام دسترسی به منابع مالی مواجهند.

تامین مالی مکفی و در زمان مورد نیاز، می تواند شرکت های خرد را تبدیل به بنگاه های بزرگ و سودآور کند. کما اینکه بن مایه اقتصادهای قدرتمند هم مانند آلمان یا ژاپن، غول های بزرگ صنعتی مانند بی ام دبلیو یا تویوتا نیستند؛ دقیقاً برعکس اقتصاد این غول های اقتصادی جهان بر پایه شرکت های کوچک شکل گرفته است. شرکت های خانوادگی و زیر ۱۰ نفر و با ظرفیت بالا که در پیچ و خم گرفتن مجوزها گیر نمی کنند، به سهولت به منابع مالی دست پیدا کرده و در نهایت در مسیر ترقی قرار می گیرند. این شرکت ها ظرف کمتر از ۵ سال نه تنها روی پای خود می ایستند و نیاز به حمایت های دولتی و برون سازمانی ندارند، که در بازار رقابتی برای خود اعتباری می جویند و در مسیر توسعه قرار می گیرند. برآیند موضوعات مطروحه، نشان می دهد بستر مناسبی برای انجام فعالیت اقتصادی قانونی در کشور ما وجود ندارد و به شدت نیازمند بهبود فضای کسب و کار هستیم. البته بهبود فضای کسب و کار؛ اتفاق صفر و یکی نیست، بلکه فرآیندی است که به مرور زمان و با کنترل همه پارامترها محقق می شود. بهبود فضای کسب و کار با مسائل بیرونی و فشارهای خارجی بی ارتباط است. بهبود فضای کسب و کار یک شاخص کاملاً درونزا است و خود کشورها هستند که می توانند با از میان برداشتن مقررات دست و پاگیر، موجب تحرک سرمایه گذاران داخلی و مانع برخی تحرکات مخالف سرمایه گذاری شوند.

حال برای تسهیل فضای کسب و کار چه باید کرد؟ چه تمهیداتی باید اتخاذ کرد که شرکت های خرد و کوچک مسیری سلامت را برای توسعه یک فعالیت اقتصادی سالم بپیمایند؟ چندان دشوار نیست سهل کردن این مسیر صعب. شاید خطی ترین پاسخ به این پرسش های کلیدی این باشد که دولت «هیچ» کاری نکند. دقیقاً «هیچ» کاری نکردن می تواند نخستین گام باشد تا اقتصاد، مسیر واقعی خود را بیابد. البته عدم مداخله دولت ها در روند سالم اقتصاد به منظور بهبود فضای کسب و کار یک پیش شرط اساسی دارد و آن اینکه فکری به حال «مداخله» های قبلی کند. نهاد قانون گذار و مجری طی سال های گذشته همواره برای چالش روزمره اقتصادی قوانین و آیین نامه های پرتعدادی مصوب کرده اند که این قوانین نه تنها باری از دوش بنگاه ها برداشته که آنها را از چاله به چاه هدایت کرده است. لیک اقدام نقطه صفر بهبود فضای کسب و کار، می تواند تسهیل یا حتی حذف مقررات مخل کسب و کار باشد.